

پرچمدار صلح و سازش ایران، حاج عباس عربی

به انضمام شرحی بر

سوابق صلح طلبانه و خیرخواهانه ایشان

نویسنده و مؤلف:

حشمت‌الله سلطانی

بنیاد علمی حقوق قانونی یار

۱۴۰۳

سرشناسه	: سلطانی، حشمت‌الله، ۱۳۳۸
عنوان و نام پدیدآور	: پرچمدار صلح و سازش ایران حاج عباس عربی (به انضمام شرحی بر سوابق صلح طلبانه و خیرخواهانه ایشان) / نویسنده و مولف حشمت‌الله سلطانی؛ زیر نظر بهنام اسدی
مشخصات نشر	: تهران: قانون‌یار: موسسه انتشاراتی فرهیختگان قانون یار ۱۴۰۳
مشخصات ظاهری	: ۲۱۲ صفحه
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۷۴۲-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: عربی، عباس، ۱۳۳۳ - صلح‌گرایی -- Padfism صلح - ایران صلح -- جنبه‌های Iran -- Peace Padfists صلح‌گرایان - ایران -- Religious aspects -- Islam -- Peace مذهبی - اسلام
شناسه افزوده	: اسدی، بهنام ۱۳۶۵
رده بندی کنگره	: ۵۵۷۴JZ
رده بندی دیویی	: ۱۷۲/۳۲۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۸۸۷۴۸۹

پرچمدار صلح و سازش ایران حاج عباس عربی (به انضمام شرحی بر سوابق صلح طلبانه و خیرخواهانه ایشان)

نویسنده و مولف: حشمت‌الله سلطانی

ناشر: قانون یار

ناشر همکار: موسسه انتشاراتی فرهیختگان قانون یار

چاپخانه و صحافی: قانون یار

نوبت چاپ: اول - ۱۱۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۲۲۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۹-۷۴۲-۸

(تمامی حقوق مادی این کتاب محفوظ بوده و متعلق به بنیاد علمی قانون یار می‌باشد)

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، بنیاد علمی قانون یار ۵۲۶ و ۶۶۹۷۹۵۱۹-۲۱.
جهت تهیه این کتاب یا همکاری در فروش یا طرح هرگونه پیشنهاد در راستای ترویج و نشر این اثر
با شماره ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ (دکتر رضایی) تماس بگیرید

WWW.OLOMENSANI.IR

WWW.Ghanonyar.IR

فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
دیباچه.....	۹
بررسی و شناخت واژه صلح در کشور با مذاقه در جایگاه جنگ، گذشت و فرهنگ صلح در ایران	۱۵
چرا حاج عباس عربی؟.....	۱۵
زاگرس سترگ.....	۲۷
ریشه‌ی لنوی «زاگرس» ، سترگی بی چون و چرای «زاگرس نشینان».....	۲۹
نام زاگرس و تاریخ آن.....	۳۰
رشته‌کوه زاگرس کدام استان‌های ایران را پوشش می‌دهد؟.....	۳۱
نگاهی گذرا بر تاریخ لکستان.....	۳۲
کاسیان؛ اجساد قوم لک.....	۳۳
زبان لکی.....	۳۵
صلح چیست و چرا بشریت به صلح نیاز دارد؟.....	۳۷
صلح؛ مایه‌ی آسایش تن و روان.....	۴۲
مفاهیم لنوی، اصطلاحی و حقوقی صلح.....	۴۳
معنای اصطلاحی.....	۴۴
تعریف جامع صلح.....	۴۵
آزادی.....	۴۵
آزادی در اسلام.....	۴۷
جنگ.....	۴۸
خشونت.....	۴۸
عدالت اجتماعی.....	۵۰
صلح در اسلام.....	۵۵
صلح در عرف سیاسی و نظام بین‌الملل.....	۵۶
ویژگی‌های اندیشه‌ی صلح‌طلبی اسلام.....	۵۷



صلح جوی بزرگ ایران؛ افتخار غرب کشور	۵۷
زندگی نامه، سوابق و فعالیت های صلح طلبانه ی حاج عباس عربی	۶۴
حاج عباس عربی در دیدگاه مردم	۶۶
بررسی صلح در زبان و ادبیات پارسی	۷۲
رؤیاهای کودکی در قلعه گنجوان	۸۶
ویژگی های شخصیتی حاج عباس عربی	۸۹
چرا ورود به سپاه و بسیج؟	۹۰
صلح از دیدگاه اندیشمندان غربی	۱۱۰
متفکران شیعه درباره ی صلح عادلانه چه می گویند؟	۱۱۷
در چه شرایطی صلح عادلانه برقرار می شود؟	۱۲۳
پازل رنگارنگ و زیبای طوایف و قبایل ایران زمین	۱۲۸
نگاهی گذرا بر پازل آوارام ایران. ما رویکرد باورمندی ها و سنت ها	۱۲۹
هنجارهای اجتماعی در لر، تان و بازی های بومی - محلی آن	۱۳۶
بازی ها و ورزش های سنتی در آذربایجان شرقی	۱۴۲
ایلات و عشایر مستقر در حوزه ی غرب و جنوب ایران	۱۴۷
تقسیم بندی گروه های عشایر معروف این حوزه: دیدگاه مردم شناسی	۱۴۷
عشایر گُرد	۱۴۷
عشایر لرستان (لُر و لَک)	۱۴۸
عشایر ترک قشقایی و خمسه ی فارس	۱۴۹
ایلات و عشایر حوزه ی شمال غرب ایران	۱۵۰
آذربایجان شرقی	۱۵۰
ایلات و عشایر اردبیل	۱۵۲
ایلات و طوایف استان زنجان	۱۵۴
ایلات و عشایر حوزه ی مرکزی	۱۵۸
ایل کاکاوند	۱۶۱
سلسله	۱۶۳
حسنوند	۱۶۳
هرسین و دلفان	۱۶۴
کوه دشت	۱۶۷
کرمانشاه	۱۶۷
معنا و مفهوم واژه ی «لَک»	۱۷۴
فرهنگ صلح؛ نیازمند توسعه ی اندیشه و گرایش به اخلاق مداری	۱۷۶



- اخلاق و تأثیر آن بر فرهنگ و سیاست ۱۷۷
- آموزش حقوق کیفری برای شناخت پتانسیل‌های ترویجی صلح و آشتی ۱۷۸
- بخشش نه سخت است، نه آسان ۱۸۰
- فرهنگ غنی عشایر؛ عامل همبستگی ۱۸۶
- خاطرات سفر اسطوره و مروج عفو و گذشت در جهان ۱۹۱
- سفرهایی پر اضطراب ۱۹۱
- سفر به جویبار در استان مازندران ۱۹۳
- سفری اضطرابی به دشت مغان ۱۹۸
- از خرم‌آباد تا شوش و کرمانشاه ۱۹۹
- سفر به شمال و شمال شرق در فصل زمستان ۲۰۱
- سفر پاییزی به ۲۰۴
- سفر به کشور عراق و استقرا بر بنظر از پرچمدار صلح و سازش و افتخار ایران حاج عباس عربی ۲۰۸

دیباچه

از زمانی که پا به عرصه‌ی وجود گذاشتم، عاقل و بالغ و رشید شدم و به اصطلاح دست راست و چپ خودم را شناختم، در خانه، کوچه و بازار، در محل زندگی، در مدرسه و محل کار و در جای جای مکان‌های مختلف، از انسان‌ها یک موضوع بسیار مهم را دیدم، تجربه کردم و یاد گرفتم و آن؛ تضاد، عارض فکری و بالطبع رفتارهای متناقض و گاه متناظر و هم‌سو، کنش‌ها و واکنش‌های متفاوت، دیدگاه‌های مغایر با اصول اجتماعی و قوانین و قراردادهای مورد پذیرش گروه‌ها و جمعیت‌ها بوده است. این مهم؛ بیان‌گر آن است که انسان درونی پرنوسان، رفتاری تابع شرایط و اندیشه، گفتاری معمولاً مبهم، دوگانه، گاه چندگانه دارد. همین امر؛ خواه ناخواه منجر به کج‌اندیشی، تضاد، تخالف، چالش و بروز تنش بین انسان‌ها می‌شود. به نظر می‌رسد فلاسفه و حکما؛ از یون باستان و دولت - شهرهایی مانند آتن و مجالس مردمی شهری و اریستوکراتیک و اشرافی‌گری در «سنار»؛ در همان دوران؛ جرقه‌ی تبعیض و تفکر طبقاتی را در برابر «کرت‌ها» و «اسپارت‌ها» برافروخته ساخت و قوانین مغالطه و سفسطه و منطق استقراء و قیاس؛ دیدگاه‌های از کل به جزء و از جزء به کل، در پی همین تبعیض‌ها و تضادها، ابداع شد که البته به مرور زمان و با ورود به دوران صنعت و پدیده‌ی روابط تکنولوژیک، گسترده شدن اجتماعات، تحول در شیوه‌ی زندگی و دسترسی بشر به ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی نوین، مفاهیم کلی روابط اجتماعی به سوی پردازش و تحلیل پیام‌ها و نگرش‌های بس پیچیده‌تر و دشوارتر سوق پیدا کرد و کار به جایی رسید که حتی



شکل اختلافات و نحوه‌ی رسیدگی به آن‌ها نیز دچار تحولی بنیادین گشت. هر چند انسان‌های پیشین در یک زندگی ساده و اشتراکی؛ بدون فهم یا حس مالکیت خصوصی، تنها نگرانی و نزاع‌شان با حیوانات وحشی و بلایای طبیعی بود و در دوران بعدی با ورود به عصر آهن، در واقع، پایه‌های اندیشه‌ی صنعتی بنیاد نهاده شد و به فاصله‌ی چند قرن که برای تاریخ ملت‌های زیادی نیست، انسان وارد عصر پیچیده‌ی ارتباطات و انفجار اطلاعات دش. به تدریج نظام‌های کهن جای خود را به سیستم‌های مدرن امروزی دارند و سرمایه‌داری تحت عنوان حلقه‌ی ارتباط اقتصادی بین کشورها تضح گرفت. اکنون اشکال نزاع و ساختارهای دفاع به صورت ریشه‌ای، تغییر یافته بودند. در غرب؛ بین کشورها تضح گرفت. اکنون اشکال نزاع و ساختارهای دفاع به صورت ریشه‌ای، تغییر یافته بودند. در غرب؛ به عنوان پرچمدار عصر مدرنیته، دورانی بسیار پر تاب و تاب همراه با کشتارهای فجیع، شکنجه‌های وحشیانه، زد و خوردهای طولانی و جنگ‌های داخلی و تسخیر و مرج ریشه‌دار را پشت سر گذاشتند. در عصری که کلیسای کاتولیک وحشیانه‌تری رفتارهای ضدبشری را در قرون وسطی بر شهروندان اروپای آن روزگار روا می‌داشت و شدیداً در تابل دانش و دانایی نوع انسان، موضع خصمانه می‌گرفت؛ نهایتاً نهضت ترجمه و تأسی به دانش‌مندان شرقی و به ویژه اسلام، به آهستگی این خطه از جهان را از تاریکی فقر و جهل و خرافه، بیرون آورد، هر چند مسلمین بعدها نتوانستند این ویژگی‌های دانش‌پروری و تمدن‌درخشان دینی را تداوم بخشند و از قافله‌ی توسعه‌ی فکری و صنعتی بازمانندند! اما زمان ثابت کرد که سرمایه‌سالاری لجام گسیخته که حتی فرهنگ و دین و اخلاق و آموزش را هم با سنجی ارزش افزوده‌ی اقتصادی می‌سنجد، نهایتاً از آن، مفهومی دیگر با عنوان برهنگی فرهنگی و ایجاد گسست بین نسلی، اضمحلال نظام خانواده و سردرگمی هویتی برای بشر، بیرون می‌آید. بررسی اکنون دنیای

مدرن قدری دشوار است و قصد من مطلق گرایی در تحلیل داده‌های پایه‌ای از دنیای غرب و به کلی زیر سؤال بردن آن نیست، اما می‌خواهم به این حقیقت اشاره کنم که مدرنیته نه تنها برای غرب، بلکه برای همه‌ی جهان همانند یک شمشیر دو لبه عمل می‌کند، اگر الزامات و ضرورت‌های آن را در نیاییم و بدانیم که نمی‌شود و نمی‌توان هویت انسانی را فدای سرمایه‌سالاری و سلامت اقلیم و آب و هوا را در پای توسعه‌ی صنایع مدرن، فنا کرد. علی‌رغم کوبیدن بر طبل جنگ توسط عوامل لجام‌گسیخته‌ی سرمایه‌داری غرب علیه فرهنگ، ارزش‌ها و روابط سالم اجتماع و بهره‌گیری از پروپاگاندای گسترده در وارونه جلوه دادن حقایق و تمرکز بر اسلام‌هراسی، ایران‌هراسی و تبلیغات گسترده علیه ملت‌ها و جوامع مستقل؛ ایرانی‌ها پیوسته و عملاً ثابت کرده‌اند که راجع طلب، نوع‌دوست، متمدن و اهل وفق و مدارا هستند. بی‌هیچ تردید، مطابق با شواهد و قراین و آن‌چه که اسناد محکم و متقن تاریخی می‌گوید؛ فرهنگ و تمدن ایرانیان چه پیش از اسلام و چه پس از آن، همواره قرین تعقل و دوراندیشی، همزیستی مسالمت‌آمیز، احترام به اندیشه‌ها - باورها، سنت‌ها و ادیان و مذاهب مختلف بوده است. در یک بررسی سطحی از شیوه‌ی زندگی و روابط انرام و طریف؛ چنین برمی‌آید که از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب سرزمین کهن و زرخیز ایران؛ انواع اقوام، مذاهب، فرقه‌ها و آیین‌ها، یک پازل به هم پیوسته از ساختاری متجانس، سبز، آرام، زیبا، هم‌گرا و هم‌افزا را رقم می‌زند که نظیر آن در کم‌تر نقطه‌ی از جهان معاصر؛ دیده می‌شود. گیلک و مازنی و ساروی، تالش و جویبار و دشت مغان، لوشان بادخیز و قوچان، شاهسون، آن توینلوها و قره‌قویرنلوها، گنابادی‌ها و در اویش و عاشیق‌های آذربایجان و صدها نام و نشان مملو از مفاهیم انسانی در شمال شرق و ایل هرکی‌ها، اردلان‌ها، جاف‌ها، هورامی‌ها، اهالی سینه دژ تا سقر و بانه و مریوان و سردشت و جلدیان و پیرانشهر در شمال غرب، اردبیل و زنجان و ساوه و قزوین و تبریز تا

آران و همدان، لرستان و لکستان باستانی، کرماشان و ایلام و مهران و دهلران و تاسیستان و بلوچستان و بوشهر و تنگستان و بختیاری‌های قهرمان، اصفهان و کاشان و کرمان و عشایر عرب خوزستان و لک‌های کرمان و جای جای این میهن پهناور، تنها گوشه‌ای از این تنوع، زیبایی و توان‌مندی فرهنگی و تمدنی آن است. در این سوی؛ در غرب، آن‌جا که سلحشوران «گرد» و «لک» و «لر» هم‌راه در برابر چپاول‌گران و رای میان‌رودان که اکنون «عراق» اش می‌خوانند، ایستادگی کرده‌اند و راه بر یاغیان و حرامیان بسته‌اند، چه آن که دست بسته به نماز می‌ایستد، چه آن عزیزی که تنبور می‌نوازد و «هویا علی مدد» می‌گوید، چه آن مردمانی که با دست باز به نماز می‌ایستند. این‌جا در غرب و در کرماشان؛ رنگارنگی اقوام و طوایف و... دیگر گونگی اندیشه‌ها و مذاهب و فقه‌ها، سبب شده تا لقب پرمستای «هندوستان ایران» زبنده‌ی نام و نشان باشد. این همه تنوع، هیچ‌گاه باعث نشده تا این مردمان به هر دلیل بر یکدیگر بتازند و از سر دشمنی با یکدیگر برآیند. اگر بخواهیم صلح‌طلب «ترین» مردمان زاگرس، هم اینان‌اند، سخن به گزافه نگفته‌ایم. آیین‌های «خون‌بس» و رسوم زیبای حلّ اختلافات در رایزنی‌ها و تکریم فرهنگ والا و ارزش‌مند «ریش سفیدی»؛ سرچشمه سراسر ایران و هر یک به نحوی بر رفتار و مرام این مردم؛ مستولی بوده، بی‌گمان در بین مردم غرب کشور؛ پررنگ‌تر جلوه و نما داشته است. همه‌ی سخن این کتاب؛ پرداختن به اهمیت بالا و والای «صلح و سازش» تحت عنوان فرهنگی برتر در بین اقوام ایرانی؛ به ویژه در میان مردمان فهمیم و مرزبانان غیور غرب کشور است و نیز پرداختن به زندگی و فداکاری‌های بی‌بدیل و زاید الوصف سرداری بی‌ادعا و خالص و مردی خوش‌مرام، خوش‌مشرب، به معنای واقعی زندگی ساز و از خود گذشته به نام «حاج عباس عربی» از اهالی هرسین و ایل سلحشور «کاکاوند». آن‌چه که در این مقال مهم است؛ بحث «صلح» و راه‌های رسیدن به آن است. این راه‌ها با بسیاری از پدیده‌های اجتماعی،



مفاهیم و روش‌های فرهنگی، زیرساخت‌های معیشتی و اقتصادی، روش اندیشه و حتی سیاست هم مرتبط است. قطعاً کم‌وکاستی‌ها و نواقصی در این نوشتار هست که امیدوارم در نوشته‌های آتی با نقادی منضمانه‌ی دوستان، برطرف شود، باشد که این وجیزه بتواند حق مطلب را درخصوص اهمیت فوق‌العاده‌ای «صلح و سازش» بین ادیان و مذاهب، اقوام و طوایف و بین ملت‌های جهان ادا نماید.

حشمت‌اله سلطانی

آذرماه ۱۴۰۳

www.ketab.ir